

تحولات فرهنگی چهار دههٔ اخیر

گزارش کارگاه برنامه ریزی فرهنگی

گزارشگر سارا

مقدمه:

در گزارش شماره یک برایتان نوشتم که قبل از برگزاری کارگاه های تجربی برنامه ریزی فرهنگی جلساتی با همین عنوان از یکسال قبل در دفتر آینده پژوهی تحولات فرهنگی و اجتماعی با عنوان تجربه برنامه ریزی فرهنگی برگزار می شد که طرح مباحث این جلسات به قلم منشی جلسه که خودم هستم خالی از لطف نیست. در این گزارش سعی شده بود اسامی و سمت ها و مدارک دانشگاهی افراد طرح نشود تا توجه مخاطب بیش از پیش به محتوای مطالب جلب شود و نه گویندگان آن. جلسه اول و دوم با موضوع برنامه فرهنگی برای نسل ایکس برگزار شد. در جلسه سوم محسن اشاره کرد که برای برنامه ریزی فرهنگی لازم است انسان ها را در شبکه ای از روابط اجتماعی که زندگی می کنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم به سایر مردم می پیوندند در نظر بگیریم. مهمترین عناصر ساخت اجتماعی که انسان ها را به یکدیگر متصل می کند عبارتند از پایگاه ها، نقش ها، گروه ها و نهادها. منظور از پایگاه ها، تأکید موقعیت افراد در جامعه است و گروه ها، مجموعه افرادی از جامعه هستند که به شیوه منظم و براساس انتظارات مشترک درباره رفتار یکدیگر با هم در کنش متقابل به سر می برند. بعضی گروه ها در اقلیت و بعضی در اکثریت قرار می گیرند و از لحاظ اقتدار، قدرت و منزلت متفاوت می شوند. سازمان پدیده ای اجتماعی است که بطور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخصی بوده و برای تحقق هدف یا اهدافی، براساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می کند. سازمان ها برای انجام اموری بوجود آمده اند که دستیابی به آنها توسط یک فرد به تنهایی امکان پذیر نیست و انجام آن از طریق سازمان اثربخش تر است. سازمان های دست ساخته انسان بسیارند، تا آنجا که عصر امروز را عصر سازمان ها و جهان سازمانی نیز نام نهاده اند و گفته اند در عصر سازمان ها انسان از تولد تا پایان زندگی در درون سازمان های متنوع و کوچک و بزرگ زندگی می نماید. جهان امروز، جهان سازمان ها و گروه های اجتماعی است و از طریق این سازمان دهی است که کنارهم ماندن و کنار آمدن با دیگران برای رسیدن به اهداف امکان پذیر می شود. سبک زندگی پوسته ظاهری و زیبایی سازمان ها و گروه ها است که بر روی شبکه سازمانی دقیق اجتماعی کشیده می شود. به همین دلیل هرگونه برنامه ریزی برای سبک سازی نیازمند مهندسی و سازماندهی اجتماعی و شناخت افراد و گروه ها و دسته بندی آنهاست. فضای مجازی بستر مناسبی برای سازماندهی و دسته بندی

بوجود آورده و رویکرد شبکه‌ای جهان ما را بدین روش اداره خواهد کرد. در سبک زندگی سازمان‌هایی نیز وجود دارند که از طرق ذهن سازی و عینیت بخشیدن به آرمان‌ها و اهداف افراد و گروه‌ها آنها را در دسته بندی هویتی شناسایی و با ارائه الگوهای رفتاری به سازماندهی و اداره جوامع یاری می‌رسانند .

گزارش جلسه چهارم:

محسن مثل همیشه مغرورانه قلم وایت برد را در دست گرفت و هنوز سلام و احوالپرسی اعضاء در شروع جلسه ادامه داشت که بدون توجه به دیگران بحث را شروع کرد و گفت در حدود سالهای ۱۳۵۰ هجری - شمسی یعنی چند دهه پیش اینگلهارت نظریه ای درباره دگرگونی ارزشی مطرح کرد که پیش بینی می کرد ارجحیت های ارزشی در جوامع پیشرفته صنعتی میل به دگرگونی از ارزشهای مادی گرایانه معطوف به امنیت جسمی و اقتصادی به سوی تأکید بیشتر به ارزشهای فرامادی گرایانه دارد و کتاب جنجالی او در سال ۱۳۷۰ هجری - شمسی درباره تحولات فرهنگی تازه در کشورهای صنعتی بحثهای فراوانی را درباره کیفیت غلبه تدریجی ارزشهای فرامادی بر ارزش های مادی در کشورهای پیشرفته به راه انداخت.

گفتم قرار بود من در ابتدای جلسه گزارش مختصری از جلسات قبل را برای دوستان بخوانم اما شما یک دفعه رفتید سراغ مبحث امروز. محسن که نمی خواست بحثی را که شروع کرده بود ناقص رها کند خیلی سریع گفت بگذارید برای انتهای جلسه و ادامه داد شواهد بسیاری وجود دارد که دگرگونی ارزشی در حال وقوع است و حرکت به سوی ارزش های فرامادی فرآیندی خطی و ساده نبوده است و مشخصه های این فرآیند داشتن نوسانات بی شماری در پاسخ به شرایط جاری جوامع است. براساس همان نظریه ها تغییر ارزش ها پدیده ای منحصرأ غربی نیست و بلکه خیزش ارزش های فرامادی گرایانه ارتباط نزدیک با تغییرات اقتصادی و اجتماعی در جوامعی دارد که در دهه های اخیر رشد اقتصادی را تجربه کرده اند.

مسعود گفت : در همان ایامی که اینگلهارت نظریه خود را ارائه می نماید یعنی در دهه ۵۰ هجری - شمسی نیز شاهد هستیم که در ایران (قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) تحولات ارزشی در حال وقوع است، بررسی اینکه نظریه مذکور با کشورهای همچون کشور ما تا چه اندازه تطبیق دارد، قابل توجه است.

مینا گفت: اما بدون تردید عوامل بسیار مهم دیگری نیز در وقوع انقلاب اسلامی ایران مؤثر بوده است. زیر پا گذاشتن ارزش های اسلامی توسط رژیم سابق و رواج فرهنگ غرب، فساد و فحشا و آگاه شدن جوانان از اوضاع نامناسب کشور، استبداد و عدم وجود آزادی های سیاسی از جمله مهم ترین علل وقوع انقلاب اسلامی ایران ذکر

شده است و علل فرهنگی و ارزشی در وقوع انقلاب اسلامی ایران مهم ترین علل از عوامل دیگر همچون عوامل سیاسی و اقتصادی بوده است.

محمد گفت: اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی نیز تأیید کننده همین موضوع است که حکومت اسلامی و برقراری ارزش ها و شعائر اسلامی مهم ترین اهداف انقلاب بوده است. از سوی دیگر در همین ایام، جهان به سمت جمعیت جوان بین ۱۵ تا ۲۴ حرکت نموده است و یک پنجم جمعیت جهان را جوانان تشکیل می دهند. جمعیت جوانی که در طول تاریخ بشر هیچ وقت به اندازه نسل کنونی با چنین دگرگونی های فرهنگی و سیاسی سریعی مواجه نبوده است، نسل جدیدی که به ارزش های تازه گرایش دارد و می تواند موجب تأثیر جایگزینی نسل بر دگرگونی ارزشی شود.

من هم سعی کردم وارد بحث شوم و گفتم در تحقیقات اندک بجا مانده اجتماعی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز می توانیم گرایش های فرامادی گرایانه و ارزشی جوانان آنروز را نسبت به آنچه رژیم شاه تبلیغ می کرد شاهد باشیم. همان جمعیت جوانی که در وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و پیروزی آن مؤثر واقع شد. ساکت و منتظر شدم تا محسن مثل همیشه علیه صحبت های من جبهه گیری کند.

محسن گفت قابل ذکر است که از دهه ۴۰ هجری - شمسی مفاهیم جدیدی در علوم اجتماعی شکل گرفته بود که تحولات اجتماعی و اقتصادی را منوط بر تحولات فرهنگی می دانست و برای دستیابی به توسعه اقتصادی، فرهنگ را به عنوان زمینه اصلی مطرح می کرد و در همین راستا و بر اساس آموزه های طرح شده نوعی نگاه در کشور ما رشد نمود که بر پایه نظریات نوسازی و توسعه، فرهنگ را به عنوان عامل مهم زمینه ساز به سمت و سوی برنامه های توسعه هدایت می کرد. این امر در ایران موجب سهولت در پذیرش امکان مدیریت فرهنگی و تأکید به نقش دولت با فرض اثرگذاری فرهنگ بر توسعه و امکان برنامه ریزی فرهنگی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با توجه به اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی و بستر قبلی موجود که امکان مدیریت و برنامه ریزی را فراهم می دید، اهداف فرهنگی با اهداف توسعه ناخودآگاه به هم پیچیده شد و مدیران فرهنگی و دولت متولی برنامه ریزی و فعالیت های فرهنگی کشور شدند تا هم اهداف فرهنگی انقلاب را به پیش برند و هم فرهنگ به عنوان زمینه ساز توسعه مورد استفاده قرار گیرد.

محمد گفت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تدوین اصول سیاست فرهنگی مهم ترین گام در سامان بخشیدن به سیاستگذاری فرهنگی بود و تقویت و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی، تقویت وحدت ملی و زمینه سازی فرهنگی برای توسعه از ارکان اصلی سیاست فرهنگی کشور به شمار رفته است، اما نارسایی های جدی در بخش فرهنگ

وجود داشت که موجب پیچیده شدن فعالیت ها و برنامه های فرهنگی بود. از جمله اینکه نهادهای متولی فرهنگ همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر پایه ساختار قبلی وزارت فرهنگ و هنر و وزارت اطلاعات و جهانگردی تشکیل شده بود که به لحاظ اهداف، مأموریت و ابزار، محدودیت های زیادی را برای مدیر و برنامه ریز فرهنگی ایجاد می کرد. همچنین آشفتگی سازمان مدیریت فرهنگی کشور و تعدد مراکز تصمیم گیری و فعالیت فرهنگی و فقدان سازمان مقتدر و برنامه ریز و تنوع اقدامات فرهنگی موجب پراکندگی اهداف و برنامه های فرهنگی شد.

مسعود ادامه داد: همچنین از دهه ۴۰ هجری - شمسی در جهان تحولاتی پیرامون جایگاه و مفهوم فرهنگ در نظریه های جامعه شناسی متجلی شده بود که بعدها در دهه ۶۰ و ۷۰ هجری - شمسی تاثیر خود را در ایران آشکار نمود و آن این بود که به تدریج فرهنگ از حوزه نگرش ها، باورها و ارزش ها به حوزه محصولات و کالاهای فرهنگی سوق داده شد و گسترش رسانه های ارتباطی توجه به این بخش از فرهنگ را شکل داد و همزمان توده ای شدن فرهنگ نیز تغییر دیگری در مفهوم فرهنگ پدید آورد که حوزه فرهنگ را از حوزه نخبگان یا فرهنگ والا به حوزه فرهنگ مردم و فرهنگ عامه جهت می داد.

مینا گفت: بدین ترتیب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تغییر و تحولات مفهومی فرهنگ که در سطح جهانی پدید آمده بود موجب شد که راهبردهای گوناگونی که متأثر از نظریه های متفاوت فرهنگی بود همزمان و همراه با یکدیگر در کشور به اجرا گذاشته شود.

محسن ادامه داد: درست است، راهبرد نخبه گرا برای تقویت هویت ملی و حفظ و حراست از میراث فرهنگی، راهبرد توسعه ای به عنوان بخش لاینفک برنامه های توسعه برای همگانی کردن فرهنگ و خارج کردن آن از انحصار نخبگان و پی ریزی مبانی فرهنگی برای سیاست های اقتصادی، راهبرد تکثر و حقوق فرهنگی برای حفظ خرده فرهنگ های گوناگون و تنوع فرهنگی و پذیرش شیوه های مختلف زندگی و جهان گرایی و اخلاق جهانی مورد استفاده قرار گرفت. توجه به این راهبردها همزمان با یکدیگر به مفهوم این بود که مدیریت فرهنگی کشور همه چیز را با هم می خواهد و این راهبردها در مواردی موجب پراکندگی و غیر منسجم شدن برنامه ها شد.

من گفتم بنظم فرهنگ عمومی به این مفهوم که فرهنگ خواص و فرهنگ نخبگان و فرهنگ والا و فرهنگ آموزشگاه نیست بلکه فرهنگ همه یا اکثریت مردم است که به شیوه آن زندگی می کنند و سینه به سینه منتقل می شود در طول سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کانون توجه سیاستگذاران قرار گرفت. محتوای فرهنگ

عمومی یعنی باورها، گرایش ها و ارزش ها در رفتار مردم نمود پیدا می کند پس تعمیق و غنی سازی فرهنگ عمومی و تقویت باورهای دینی در آن ضرورتی است که انقلاب اسلامی تعیین کرده بود.

محسن صحبت مرا برید و گفت: در طول این سال ها سیاستگذاران به فراخور درک و توان خویش اهداف و برنامه های اصلاح فرهنگ عمومی را به اجرا گذاشتند که می توان آنها را به شیوه های اصلی تقسیم کرد. دیگر داشتم جوش می آوردم یک منشی جلسه صدا زده اند که مجانی برایشان مذاکرات را می نویسد و حتی اجازه نمی دهند سخن اش را تمام کند. تصمیم گرفتم برخی صحبت های محسن را ننویسم تا بقول شیرازی ها دلم خنک شود اما چه حیف که خوانندگان را پیش چشمم تجسم کردم که بدنبال مطلب بیشتری هستند و چیزی را حذف نکردم. محسن گفت اگر سارا خانمدر گزارش مذاکره بنویسد باید تاکید کنیم که در شیوه اول سیاستگذاران در پی شناخت آسیب های فرهنگی و تدوین سیاست ها و مقررات فرهنگی بودند و اصلاح فرهنگ عمومی در چارچوب اجرای قوانین فرهنگی پی می گرفتند. در شیوه دوم اصلاح فرهنگ عمومی را از طریق ترویج الگوهای متناسب با نیازهای اجتماعی و اقتصادی دانستند و کوشش نمودند الگوهای مورد نظر اقتصادی - اجتماعی همچون کنترل مصرف یا قانون گرایی را در بخش فرهنگ ترویج نمایند. در شیوه سوم که شدت تغییرات فرهنگی از طریق رسانه های ارتباطی گسترش یافته بود کوشش شد اصلاح فرهنگ عمومی با روش های تبلیغی دنبال شود. در شیوه چهارم تطبیق برنامه های اصلاح فرهنگ عمومی با تنظیم برنامه هایی در راستای کاهش تصدی گری دولتی در بخش فرهنگ همراه بود. در شیوه پنجم اصلاح فرهنگ عمومی از طریق بهره گیری از تولیدات فرهنگی و هنری داخلی برنامه ریزی شد و افزایش کمی کالاها و تولیدات فرهنگی و توجه به نیازهای فرهنگی مردم مد نظر قرار گرفت و پاسخگویی به آن دسته از نیازهای فرهنگی متمرکز شد که در نهاد اجتماعی جدید یعنی نهاد تفریح سرگرمی و فراغت پدید آمده بود. در شیوه ششم توجه به فرهنگ عمومی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی دستگاه ها و نهادهای دولتی و اصلاح رویکردهای فرهنگی از طریق ایجاد نظم و ضابطه مندی و همنوایی در برنامه ها و فعالیت دستگاه های کشور مورد توجه قرار دارد.

مسعود اشاره کرد آنچه سیاستگذار فرهنگی در طول سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انجام داد در شرایطی انجام شده است که تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سریع و گسترده ای در دنیا در دست اتفاق بوده و بر جریان سیاستگذاری فرهنگی مؤثر شده است.

محمد گفت: عدم اولویت بندی اهداف فرهنگی و عدم وجود برنامه های عملیاتی برای رسیدن به اهداف و فقدان الگوهای برنامه ریزی فرهنگی، کمبود اطلاعات پایه فرهنگی و اجتماعی از وضع موجود و عدم وجود شاخص های پژوهشی و ارزیابی از جمله مشکلات قابل ذکر در این دوران است که سیاستگذار مجبور بود برای دستیابی به این کمبودها همزمان با اجرای برنامه ها تلاش نماید.

من هم گفتم تنظیم سند مهندسی فرهنگی کشور اقدام مهمی است که در دهه اخیر توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به ثمر رسید. این سند نقشه راه فرهنگی را ترسیم نموده است و می تواند راهگشا باشد.

محسن بار دیگر صحبت مرا برید و گفت: آنچه وجود عقلانی یک مدیر و برنامه ریز فرهنگی را مشخص می کند، حدود ملاحظه افق های ممکن تحول در عرصه فرهنگ است. فرض بر آن است که هر حوزه فرهنگی در هر زمان و مکان مشخص واجد ساختارها و ویژگی های متصلبی است که تحت تأثیر اراده مسئولان فرهنگی قرار نمی گیرد. در حوزه فرهنگ، اخلاق به عنوان مجموعه ای از بایستی ها و احکام تجویزی که بر مجموعه معارفی استوارند همواره در برنامه اصلاح فرهنگ عمومی مورد توجه بوده است و از دو الگوی معنایی برخوردار بوده که یکی بر موازین شرعی و متکی بر شریعت اسلامی و دیگری الگوی توسعه گرا، در کنار هم استفاده نموده است و با برنامه های تبلیغی برای تحقق آن تلاش شده است. اقدام مهم در این راستا این بوده است که متولیان فرهنگ عمومی تشکیل نهادهای مدنی و مردمی را در برنامه های اصلاحی قرار داده تا در آینده مکانیسم متکی به مردم و خارج از دولت بتواند مسئولیت خود را در قبال امور و رفتارهای دینی اعمال نماید. تقویت حضور نخبگان دانشگاهی و حوزوی که دغدغه آگاهی بخشی و مصالح مردمی را دارند، بدون تصدی گری دولت یکی از راهکارهایی بوده که در این مدت بسترسازی مناسب شده است.

دیگر خشم من به اوج رسیده بود گفتم بیخشد من حالم خوب نیست و نمی توانم ادامه مباحث را بنویسم و در حالی که همه اعضای جلسه مات و مبهوت مرا می نگریستند کلاسور کاغذی را برداشتم و از درب اتاق بیرون رفتم. هنوز درب را کامل بسته نشده بود که محسن گفت امروز نظرات ارزشمندی داشتید که می خواستم در انتهای جلسه بر روی آن تاکید کنم. حیف که نشد انشاءالله جلسه بعد نظرات شما را بیشتر می شنویم. صحبت های او آب سردی بود که روی سرم ریخته شد مثل اینکه دقیقا متوجه شده بود که من با دلخوری جلسه را ترک کردم. مردد شدم بروم یا بمانم که محسن گفت منتظر خلاصه مذاکره جلسه هستم. لطفا هر جا متوجه شدید که صحبت های من طولانی

بوده است آن را کوتاه تر کنید. دیگر شک نداشتم که ذهن من را خوانده بود. پس با یک تاکید زنانه شیطنت آمیز گفتم: نه استاد همه صحبت های شما ارزشمند و قابل استفاده است. خداحافظی کردم و درب را بستم اما پشت در ایستادم تا ببینم جلسه تعطیل می شود یا نه؟

صدای محسن را شنیدم که گفت حالا که سارا خانم نیستند صدای جلسه را ضبط می کنیم و برایشان می فرستیم و ادامه داد: دیدگاه های مدیران جمهوری اسلامی ایران همواره اصالت را به فرهنگ می دهد و برنامه ریزی فرهنگی را به ایجاد امکانات برای تبلور خلاقیت انسان ها و حفظ حریم فرهنگ در مقابل دخالت سیاست و دخالت اقتصاد مقید می نماید و همین دیدگاه ها ارزش ها و اعتقادات فرا انسانی را مؤثر بر خلاقیت های انسانی می داند و بروز و ظهور و ایجاد خلاقیت ها منوط به رعایت این حوزه فرانسائی است. اما تجربه برنامه ریزی های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نشان می دهد که بدلیل مشکلات اقتصادی باقی مانده از سال ها حکومت های استبدادی و استعماری در ایران، برنامه ها نتوانسته اند فرهنگ را در محور توسعه و پیشرفت قرار دهند و اگر چه در اهداف برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران نیل به اهداف ایدئولوژیک منظور شده است اما عدم همخوانی بین اهداف و وسایل و برنامه ها موجب عدم دسترسی کامل به اهداف شده است. در تصویر عمومی و کلان برنامه ریزی فرهنگی کشور نوعی برنامه ریزی به چشم می خورد که آن را می توان برنامه ریزی فرهنگی گسسته دانست. به این معنی که برنامه ریزان در هر حوزه بطور مستقل و جداگانه مبادرت به برنامه ریزی کرده اند و بین بخش های مختلف آن ارتباط و همبستگی ارگانیکی به چشم نمی خورد و گاه تعارضات برنامه ها تأثیر منفی از خود بجای گذاشته است. اما در مجموع نتایج فراوانی حاصل شده که بدلیل پشتوانه های الهی، اعتقادی و فرهنگی برنامه ریزان و مدیران در حوزه های مختلف بوده است.

محمد ادامه داد: تسلط گفتمان اسلام خواهی و استقلال طلبی و ایدئولوژی فرهنگ اسلامی، وجود و حضور رهبری منسجم و دولت های تا حدودی متعهد به ارزش های اساسی موجب شده است که علیرغم عدم بکارگیری الگوهای کلان برنامه ریزی و عدم اجرای برنامه های همگن، مجموعه تصمیمات و اقدامات غیر همبسته به سمت رشد شاخص های عمومی فرهنگ و جهت گیری های تقریباً واحدی در حوزه فرهنگ عمومی ختم شود.

مینا گفت: تلاش برای همگام نمودن سیاست آموزشی و علمی کشور با سیاست فرهنگی، هدایت تقاضاهای فرهنگی مردم به سمت نیازهای واقعی، توجه به شیوه سلوک و اصول و آداب زندگی جمعی، رشد شخصیت افراد

جامعه، تشکیل انجمن ها و مؤسسات غیرانتفاعی و نهادهای فرهنگی، وحدت رسانه ای، افزایش تولید کالاهای فرهنگی و هنری داخلی، تأسیس گسترده مراکز و مؤسسات ترویج فرهنگی، حضور فعال نخبگان فرهنگی در تولید فرهنگی، توجه به فرهنگ مکتوب و گسترش آن، برنامه ریزی برای حضور مردم در ساز و کارهای تصمیم گیری، گسترش امکانات فرهنگی و هنری، استفاده از نهادهای سنتی اصلاح و ترویج فرهنگی، ایجاد تسهیلات و امکانات برای آفرینش های فرهنگی هنری، توسعه ارتباطات رسانه ای، انجام برنامه های تشویقی و جشنواره ها و همایش ها، حضور و تقویت نهادهای مردمی و توجه به رهنمودهای رهبری نظام، از جمله عناصر و عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد شاخص های فرهنگی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده است.

دیگر طاقت نداشتم در پشت درب اتاق به مذاکرات گوش کنم با خونسردی درب اتاق را باز کردم وارد شدم سلام کوتاهی کردم و نشستم و گفتم من بهتر شدم و می خواهم در ادامه صحبت های شما بگویم که : در انجام فعالیت های فرهنگی همواره برخی از ویژگی های تاریخی حکومتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران موجب ایجاد موانع مهمی در انجام کارهای فرهنگی بوده است. برای مثال سلطه سیاسی و خودکامگی و شکاف و فاصله بین دولت و مردم، جو عدم اعتماد توأم با ترس و عدم تأمین حقوقی و قضایی و ناهمخوانی بین اخلاق نظری و اخلاق عملی، بی سوادی و کم سوادی و نا آگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده فرهنگ ها و توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و تفاوت ها و تعارض های عقیدتی ارزشی و هنجاری بین گروهها و نخبگان و اقوام، از جمله مشکلات عمده برای هرگونه برنامه ریزی فرهنگی توسط دولت بوده است و جمهوری اسلامی ایران در طول این سال ها موفق شده است بر بسیاری از این مشکلات فائق آید و بستر لازم برای انجام کارهای فرهنگی را فراهم آورد.

محسن گفت ضمن تشکر از سارا خانم که به جلسه برگشتند و نظرات خوبی ارائه کردند باید از همگی عذرخواهی کنم کاری برای من پیش آمده و بایستی پایان جلسه امروز را اعلام نمایم. یک آن مغزم جوش آورد شک نداشتم که فقط می خواست حال مرا بگیرد. می خواستم کلاسور یادداشت ها را از پنجره بیرون بیاندازم اما به خودم گفتم دختر صبور باش تو می توانی بموقع حال استاد را بگیری. لبخند تلخی زدم و گفتم مثل اینکه چشم ما شور بود و برگشتن من به جلسه ضروری نبود. محسن در حالیکه خداحافظی می کرد و از اتاق بیرون می رفت گفت : راستی

سارا خانم مطالبی را که در پشت در اتاق جلسه شنیدید را در خلاصه مذاکرات از قلم نیاندازید. این را گفت و رفت
و همه خندیدند....

گزارشی بود از : دفتر آینده پژوهی تحولات فرهنگی و اجتماعی